



Effective Factors in Strengthening Foresight and Religious Identity with Emphasis on Quran and Hadith

(Received: 2023-05-20 / Accepted: 2023-08-31)

Narges Shakarbeygi¹, Rezvan Shakarbeygi²

ABSTRACT

Since the personal and social life of each individual is influenced by his identity, one of the important and different dimensions of today's studies in the field of anthropology is paying attention to the category of education, identity and human existence. On the other hand, the conscious and exploratory search for identity and its various dimensions is a new phenomenon. The findings show that by knowing the place and role of religious identity, one of the basic components of civilization can be achieved, which plays a significant role in the development of human identity.

Examining social changes and the development of current societies proves more and more the necessity of knowing the important and effective dimensions and components on identifying and knowing the element of education. The future has a dim face for humans; but planning and foresight, attention and recognition are necessary. Most people who think about their happiness, move forward with a plan in their lives. They often focus on factors that affect their foresight. They become accurate so that they can achieve the desired results with a correct vision of the future. The current research is trying to analyze the verses of the Holy Quran with the descriptive-analytical method and by using the method of analyzing the texts and library documents. The results of this work show that the foundations of theology, anthropology and worldview are effective in the formation and stabilization of religious identity, and on the other hand, important factors such as faith in God, belief in the afterlife, thinking, having a goal, consultation, historical perspective, etc. are among the things that strengthen foresight.

KEYWORDS: Foresight, Identity, Religious Identity, Hazm, Tadbir, Qur'an, Hadith.

1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran, (corresponding author), shekarbeygi.n@gmail.com

2- Educational Sciences Expert, Student Research Committee, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran, rezvan.shekarbigi@gmail.com



عوامل مؤثر بر تقویت آینده‌نگری و هویت دینی با تأکید بر قرآن و حدیث

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹)

نرگس شکر بیگی^۱، رضوان شکر بیگی^۲

چکیده

یکی از ابعاد مهم و متفاوت مطالعات امروزی در حیطه انسان‌شناسی، توجه به مقوله تربیت، هویت و بخش وجودی انسان است. چراکه زندگی شخصی و اجتماعی هرکسی تحت تأثیر هویتش قرار می‌گیرد. از سوی دیگر جستجوی آگاهانه و اکتشافی هویت و ابعاد گوناگون آن پدیده‌ای جدید است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با شناخت جایگاه و نقش هویت دینی می‌توان به یکی از مؤلفه‌های اساسی تمدن که نقش بسزایی در تکوین هویت انسانی دارد، دست یافت. بررسی تغییرات اجتماعی و توسعه یافتن جوامع کنونی؛ ضرورت شناخت ابعاد و مؤلفه‌های مهم و مؤثر بر هویت‌یابی و شناخت عنصر تربیت را بیش از پیش به اثبات می‌رساند. آینده برای انسان چهره‌ای گنگ دارد؛ اما برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، توجه و شناخت نسبت به آن ضروری است. اکثر انسان‌هایی که به سعادت و خوشبختی خویش می‌اندیشند؛ در زندگی‌شان با برنامه پیش می‌روند، آنان اغلب بر روی عواملی که بر بینش آن‌ها نسبت به آینده تأثیر می‌گذارد؛ دقیق می‌شوند تا بتوانند با بینشی صحیح نسبت به آینده، به نتایج مطلوب برسند. پژوهش حاضر درصدد است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل متون و اسناد کتابخانه‌ای به بررسی آیات قرآن کریم پرداخته است. نتایج این اثر نشان می‌دهد که مبانی خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی در شکل‌گیری و تثبیت هویت دینی مؤثر بوده و از

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

shekarbeygi.n@gmail.com

۲- کارشناس علوم تربیتی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

rezvan.shekarbigi@gmail.com



سوی دیگر عوامل مهمی مانند ایمان به خدا، باور به آخرت، تفکر، داشتن هدف، مشورت طلبی، تاریخ‌نگری و... سبب تقویت آینده‌نگری می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: آینده‌نگری، هویت، هویت دینی، حزم، تدبیر، قرآن، حدیث.

۱. بیان مسئله

توجه به آینده و مسئله آینده‌نگری یکی از خصیصه‌های انسانی و موهبتی الهی است که از دیرباز موردعلاقه انسان بوده است؛ به همین خاطر بشر از اولین روزهایی که زندگی اجتماعی خویش را آغاز کرده، نسبت به آینده خود بیمناک و حساس بوده است. هر انسانی که به سعادت خویش می‌اندیشد، باید اصل آینده‌نگری را سرلوحه کارهای خود در زندگی قرار دهد و راهی برای مواجهه صحیح با آینده و چالش‌های پیش رو بیابد تا بتواند نتیجه مطلوب را به دست آورد. در قرآن آمده است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَارْتَقُوا لَهُ الْوُجُوهَ وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (حشر: ۱۸)؛ همان‌طور که آینده‌نگری در امور معنوی و اخلاقی برای انسان فایده دارد، در کارهای مربوط به دنیا نیز مفید است، بدون آن ممکن است آسیب‌های زیادی در زندگی دامن‌گیر انسان شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «رَأَيْتُ فِي يَوْمِهِ غَدَهُ وَنَظَرَ قُدَمَاءَ أَمَامَهُ» (حکیمی، ۱۳۸۰، ۱: ۱۵۱).

توجه به آینده و آینده‌نگری از ویژگی‌های ذاتی انسان است و اگر انسان قصد داشته باشد آینده خود را بسازد به چنین دانشی در زندگی نیاز دارد؛ زیرا باعث تعادل و توازن در زندگی می‌شود. انسان قدرت کنترل بر خود، تصمیم‌ها و رفتارهایش را دارد و از این راه نوعی پیوستگی و انسجام در زندگی ایجاد می‌شود. دگرگونی و پیشرفت‌های چشمگیری که در حوزه‌های مختلف زندگی بشر به وقوع پیوسته، تنها یکی از دلایلی است که ضرورت آینده‌نگری را توجیه می‌کند. برنامه‌ریزی برای ساختن فردایی باشکوه و سرشار از لطف و نعمت الهی ضروری است. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ هُمْ الَّذِينَ عَرَفُوا مَا أَمَامَهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، ۷۵: ۲۵). عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری سبب سامان یافتن کار به نحو احسن می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، الف، ۲: ۷۶). اهمیت آینده‌نگری و اقبال عموم مردم به آن سبب شده است؛

همه‌ی مکاتب اعم از الهی و بشری به‌نوعی به آن حساس بوده و درباره آن بحث نمایند. در همین راستا این پژوهش در نظر دارد تا به بررسی عوامل مؤثر بر تقویت آینده‌نگری و هویت دینی بر اساس قرآن و حدیث پردازد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه آینده‌نگری و هویت دینی-اسلامی نشان می‌دهد تحقیقات متعددی در این زمینه نگارش یافته است؛ با دقت در موضوعات مورد مطالعه و نتایج آن‌ها می‌توان این‌گونه بیان نمود که عوامل اجتماعی متعددی بر این مسئله تأثیرگذار است. از این رو اثر حاضر در صدد است تا با نگاهی نو به بررسی تأثیر آینده‌نگری بر زندگی و تقویت هویت دینی از دیدگاه قرآن و حدیث پردازد که کمتر در آثار گذشتگان به آن توجه شده است.

محدثی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تدبیر و آینده‌نگری» به بررسی جایگاه آینده‌نگری در زندگی و اهمیت تدبیر پرداخته است. وی معتقد است که آینده‌نگری یکی از نشانه‌های انسان خردمند است، انسانی که همواره در نصوص دینی به بهترین و اعلی‌ترین صورت ترسیم شده است. انسان آینده‌نگر و اهل تدبیر از بسیاری از آفات مانند ندامت، لغزش، عذرخواهی و... در امان است.

حسین زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «آینده‌نگری مثبت در نهج‌البلاغه» به تبیین دیدگاه حضرت علی (ع) در خصوص آینده و عاقبت بشر پرداخته است. وی با بررسی فرازهای از نهج‌البلاغه مانند خطبه ۱۵۰ به این نتیجه رسیده است که مولا امیرالمؤمنین (ع) به آینده بشر خوش‌بین بوده و می‌فرماید: در آینده، خورشید حقیقت و عدالت حضرت مهدی (عج) طلوع خواهد کرد. وی در این اثر به بیان نکات منفی شتاب‌زدگی اشاره نموده و معتقد است شتاب‌زدگی، فعالیت‌های مغزی و روانی را در مسائل واقعی زندگی مختل می‌سازد و سبب به وجود آمدن خطاها و لغزش‌ها می‌گردد.

خاک‌بازان و رفیعی هنر (۱۳۹۶) در اثر خود با عنوان «تبیین سازه «حزم» (آینده‌نگری) بر اساس اندیشه اسلامی» بیان نموده‌اند که مفهوم جامع «حزم» عبارت است از: مهارت شناختی (کیاست) که فرد با استفاده از ظرفیت‌های گذشته و حال به پیامدهای آینده رویدادها توجه نموده (سیر زمانی) و در زمان حال آگاهانه به اقدامات منطقی (اقدام آگاهانه) روی می‌آورد. نویسندگان معتقدند که این سه مؤلفه در طراحی بسته‌های آموزشی و تربیتی می‌توانند نقش مؤثری ایفا نمایند.

آقاپور و پهلوان (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان «آینده‌نگری؛ مبانی، ضرورت‌ها و روش‌شناسی‌ها» بیان نمودند که آینده‌نگری یکی از موضوعات ویژه عصر حاضر است که ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در سیاست‌گذاری‌ها دارد. توجه به مسئله آینده ورود مقتدرانه به فردا و فرداها را فراهم می‌نماید.

جلیلی و همکاران پژوهشی با عنوان بررسی نقش دین در هویت انسان در سال ۱۳۹۴ انجام دادند. آنان به این نتیجه رسیده است که در جامعه امروز، بحث هویت و مباحث اخلاقی و ارزشی سیر قهقریایی پیدا کرده به طوری که زمینه ظهور و بروز انواع نگرانی‌ها، ناآرامی‌های روانی، اجتماعی و... را در پی داشته و تنها راه چاره انسان به منظور در امان ماندن از این عوارض این است که گم‌شده اساسی خود که همان معنویت و هویت دینی است را هرچه زودتر بیابد.

حمید و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی «رابطه ساده و چندگانه بین هویت دینی، سلامت روان و خوش بینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز» دریافتند که بین هویت دینی و خوش‌بینی با سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد.

حسینی چاری (۱۳۸۹) در تحقیقی که بر روی نوجوانان انجام داد به این نتیجه رسیده است که وضعیت هویتی پیشرفته در تمام نمونه‌ها با مهارت‌های ارتباطی آنان رابطه مثبتی داشته است. هویت سردرگم بر میزان رفتارهای پیش‌بینی‌کننده مهارت‌های آنان تأثیر فراوانی داشته است. معنادار بودن این نوع ارتباط در یافته‌های تحقیقات حسینی و همکاران (۱۳۸۹) بر پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی و جهت‌گیری مذهبی دانشجویان نیز قابل تأمل است.

با بررسی پژوهش‌ها در خصوص آینده‌نگری و هویت دینی می‌توان گفت باآنکه آثار فراوانی در این خصوص به نگارش درآمده‌اند، اما اکثر پژوهش‌ها رابطه این هویت را با عوامل گوناگون اجتماعی و فرهنگی به صورت کمی و میدانی مورد بررسی قرار داده و کمتر به اصول و مبانی بینشی مؤثر بر هویت و آینده‌نگری از نظر درون دینی بر پایه مفاهیم قرآن و حدیث پرداخته‌اند. اثر حاضر کوشیده است تا با تبیین مفاهیم اسلامی، نقشی در تکمیل تحقیقات در حوزه آینده‌نگری و هویت دینی ایفا نماید.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در انجام مراحل پژوهش پس از مطالعه نظریه‌ها و تعیین مفهوم‌شناسی

بحث به طبقه‌بندی موضوعات در دو حیطه هویت دینی و آینده‌نگری بر اساس نصوص دینی اشاره گردیده است تا محققان و مریبان بتوانند در تبیین هویت دینی و تقویت بُعد آینده‌نگرانه به مخاطبان خود از آن بهره‌مند گردند.

۴. مفهوم شناسی

هویت و هویت دینی: واژه هویت «Identity» ریشه در زبان لاتین دارد و از «Identitas» به معنی مشابه و یکسان ریشه می‌گیرد. به تعبیر دیگر هویت همان شناخت و درک از خود است که در رابطه با دیگران و در متن مکانی و زمانی خاص و معین شکل گرفته باشد (شمشیری، ۱۳۸۷: ۷۳).

از نظر آنتونی گیدنز هویت مفهومی است که شخص خود را به وسیله آن تعریف می‌کند و به آن آگاهی دارد. از سوی دیگر سایر نظریه‌پردازان بر سیال و ناپایدار بودن هویت هم‌عقیده‌اند و گیدنز در این زمینه معتقد است که هویت چیزی است که فرد باید هرروز آن را ایجاد کند و در اعمال خود منعکس کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۸).

به عقیده‌ی مارسیا (۱۹۸۰) هویت عبارت است از سازمان دادن نوعی خود درونی شده که مشتمل بر نظام باورها، آرزوها، ارزش‌ها، عقاید و تجارب است (سامانی و فولاد چنگ، ۱۳۸۵: ۱۲۳). در تعریفی دیگر هویت را مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۵-۵۴)؛ پدیده‌ای که از من آغاز می‌شود و به ما منتهی می‌شود و اغلب در پاسخ به سؤال من کیستم؟ خود را به نمایش می‌گذارد؛ اما مقصود از هویت دینی، ارائه اعتقادات مشترک دینی و مقید بودن به انجام مراسم و شعائر مذهبی خاص است. در حقیقت هویت دینی کیفیتی در انسان است که معرف آگاهی، تعلق و دل‌بستگی و احساسات عاطفی و پایبندی، تقید و تعهد نسبت به مجموعه‌ای از اعتقادات و اعمال دینی و اجتماعی است (شمشیری، ۱۳۸۷: ۵۲). در تبیین مفهوم هویت دینی توجه به مفهوم و حوزه معنای دین می‌تواند راهگشا باشد همچنان که علامه جعفری در تعریفی از دین معتقدند: مقصود از دین عبارت از محاسبه و تنظیم زندگی طبیعی روانی در مسیر تکامل و الهی است.

ایشان عقاید دینی را اساس تدین می‌دانند که یک رکن آن نمودهای روانی، باورها و رکن دیگر آن حرکات و سکنات است که مطابق آن عقاید از انسان صادر می‌گردد (جعفری، ۱۳۴۹:

۱۰۴). همچنین در تعریفی دیگر علامه طباطبایی در خصوص ادیان و تعریف دین این گونه فرمودند که دین روش ویژه‌ای برای زندگی دنیوی است که مصلحت دنیوی انسان را در جهت کمال اخروی و حیات ابدی او تأمین می‌کند. از این رو لازم است شریعت، دربرگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی نیز پاسخ دهد (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۷۲). از سوی دیگر آیه الله جوادی آملی، مقصود از دین را این گونه تشریح نموده‌اند که دین مکتبی است که از یک سری عقاید، قوانین و مقررات تشکیل شده و هدف آن راهنمایی انسان برای رسیدن به سعادت است (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۴۲).

با بررسی دسته‌بندی‌های مختلف موجود، ابعاد دین‌داری و مؤلفه‌های اصلی دین اسلام را می‌توان در موارد زیر بیان نمود: ۱. دانش و شناخت ۲. اعتقادات ۳. اخلاقیات ۴. آداب و سنن ۵. عبادات و شعائر دینی ۶. تعالیم اقتصادی ۷. تعالیم سیاسی و حکومتی (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۴۶). دین‌داری ابعاد گوناگونی دارد و رفتار دینی فقط یکی از ابعاد دین‌داری است (المنوفی ۱۳۷۵: ۹۱). دین‌داری را دارای دو بُعد جدا از هم دانسته که عبارت‌اند از: شناخت دینی و رفتار دینی. در حال حاضر پژوهشگران حیطه روانشناسی و دین تقریباً به دیدگاه واحدی مبنی بر پذیرش چندبعدی بودن دین و در نتیجه دین‌داری متمایل شده‌اند (المنوفی، ۱۳۷۵: ۱۳۲).

آینده‌نگری: در خصوص واژه آینده‌نگری، تعاریف گوناگونی بیان شده است. آینده‌نگری را می‌توان به صورت توانایی تصور آینده از طریق مطالعه، تحقیق یا تصویر پردازی با بهره‌مندی از روش‌های علمی، آموزه‌های دینی یا کشف و شهود غیرمادی، تعریف نمود. در این تعریف دو بستر الهی و بشری متصور است. مطالعه سیر تمدنی بشری نشان می‌دهد که آینده‌نگری در ابتدا توسط انبیای الهی با تأکید بر معارف و آموزه‌های دینی از یک سو و عامه مردم از سوی دیگر انجام شده است. این نگاه تو ساحتی در بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی، ارزشی کاربرد دارد چرا که دین برنامه‌ای جامع برای سعادت بشر در بردارد که می‌توان راهگشای بسیاری از بحران‌ها باشد (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۴۸).

اصطلاح آینده‌نگری، در سرشت خود یک تعریف کلی به همراه دارد. آن نگرستن به آینده است. این تعریف گرچه کلی و انتزاعی است؛ اما مخاطب با دیدن این اصطلاح، یک ادراک و شناخت نسبی در باب آن به دست می‌آورد. هم‌چنین می‌توان گفت آینده‌نگری تلاشی نظام‌مند است که می‌کوشد کم و کیف تغییرات یا عدم تغییرات کنونی و تأثیر آن‌ها را در به وجود آوردن واقعیت‌های آینده ترسیم نماید و بر آن است تا منبع، الگوها و علل تغییر و ثبات‌ها را تحلیل

نماید (آقایور و پهلوان، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

انسان خردمند، قبل از انجام هر کاری، جوانب و عواقب آن را از هر جهت می‌سنجد، سپس تصمیم گرفته، اقدام می‌کند. افراد آینده‌نگر و مدیر، همواره به‌دوراز شتاب‌زدگی تصمیم گرفته و عمل می‌کنند (محدثی، ۱۳۸۹: ۱). امام علی (ع) فرمودند: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ» هیچ عقلی مانند تدبیر نیست (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳). این کلام به نحوی، پیوند تدبیر و خردمندی را روشن می‌سازد.

قرآن بیشتر از کلمه عاقبت برای آینده استفاده کرده است و می‌فرماید: «فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۱۰۳). قاموس قرآن نیز کلمه عاقبت را به معنای پایان و تعقیب را به معنای انجام دادن کاری بعد از کار دیگر و اعقاب را در پی آمدن و اثر گذاشتن می‌داند (قرشی، ۱۳۷۱، ۵: ۲۲-۲۳). آینده‌نگری را می‌توان با واژه تدبیر و حزم از نظر معنی مترادف و به هم نزدیک دانست (دشتی، ۱۳۷۶: ۵۹).

برخی از محققان معتقدند در آموزه‌های اسلامی از آینده‌نگری با عنوان «حزم» یاد شده است (خاکبازان و رفیعی هنر ۱۳۹۶: ۱۳) حزم توجه خاص به آینده است و عاقبت امور را پیش از هر اقدامی بررسی می‌کند و گام‌های خود را بر اساس تأمین آینده تنظیم می‌کند. از تبیین روایات حزم، چنین برمی‌آید که حزم پنج مؤلفه مشورت پیش از عمل و پیروی از صاحب‌نظران، صبر و انتظار فرصت و اقدام هنگام فرصت، توجه به عاقبت پیش از عمل، حراست خود از آسیب دیگران به‌وسیله بدگمانی و غافل نشدن از تلاش برای عاقبت و چاره‌اندیشی برای حوادث است (پسندیده، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

شجاعی، حزم را دوراندیشی، عاقبت‌نگری، تأمل در سرانجام کار و پرهیز از عواقب نامطلوب آن تعریف نموده و می‌نویسد: حزم این است که هر شخص، موظف است پیش از اقدام به کاری، ابتدا مصالح و مفاسد و عواقب آن کار را بسنجد و در صورت وجود مصلحت، به آن اقدام کند وگرنه آن را ترک نماید (شجاعی، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

بنابراین حزم در لغت به مفهوم محکم کاری و استوار کردن امور است. حزم در روایات نیز به همین معنا به کار رفته است؛ ولی برای آن مصادیق فراوانی بیان شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اصلاح امروز، تدارک فردا، کار امروز را به فردا واانهدان، آماده مرگ بودن، در رأی مستبد نبودن، با صاحب‌نظران مشورت کردن، استواری و قاطعیت در تصمیم‌گیری، توقف در موارد مشکوک، احتیاط و عاقبت‌اندیشی. به این ترتیب یکی از مجاری مهم «حزم» آینده‌نگری است.

به عبارت دیگر، حزم آن است که اولاً، وضعیت فردا و حوادثی که در آینده پیش خواهد آمد، از جمله مرگ و زندگی، در نظر گرفته شود. ثانیاً تمایلات امروز با توجه به فردا سامان داده شود (رشاد، ۱۳۸۵، ۴: ۱۵۰).

حزم زمانی است که انسان کارش را ضبط کند و از فوت آن برحذر باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ۶: ۳۹). امام علی (ع) فرمود: آنکه منتظر فرصت باشی و هر چه برای تو امکان به دست آوردن آن هست شتاب به خرج دهی» (صدوق، ۱۴۰۳، ۱۴۰۳، ۴۰۱). کلمه حزم را در فارسی پیش‌بینی، احتیاط و دوراندیشی نیز معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۰).

تدبیر اندیشیدن در پایان کارها و پایان چیزی را خواستن است (عاقبت‌اندیشی) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۰۷). همانا انسان کارش را تدبیر می‌کند تا اینکه، آنچه عاقبتش منجر شود، ببیند درحالی که آن (تدبیر) نتیجه کارش است (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۳۱۰). تدبیر در کار یعنی بینی آنچه عاقبتش به سوی آن برمی‌گردد (طبرسی، ۱۳۶۰، ۳: ۲۹۹). «فَالْمُدْبِرَاتُ أُمْرًا» (نازعات: ۵). مدبرات از ماده تدبیر به معنی عاقبت چیزی را اندیشیدن است و از آنجا که عاقبت‌اندیشی و آینده‌نگری سبب سامان یافتن کار به نحو احسن می‌گردد واژه تدبیر در این معنی نیز به کار می‌رود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴ ب، ۷۵-۷۶).

از آنجا که حزم و تدبیر، معادل آینده‌نگری است در احادیث اصطلاح «الْتَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ» نیز برای این مفهوم آمده است. چنان که علی (ع) می‌فرماید: «الْحَزْمُ النَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَمُشَاوَرَةُ ذَوِي الْعُقُولِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۵). اکثر محققان و نویسندگان نیز از واژه پیش‌بینی به جای آینده‌نگری استفاده نموده‌اند (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) در خصوص عاقبت‌نگری فرمودند: «مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ بِغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوَابِغِ» هرکس بدون نگاه به عواقب در ورطه کارها درآید، خود را در معرض مصائب و مشکلات نهاده است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۷۴: ۲۳۸).

تاریخچه مفهومی هویت دینی: بی‌شک در مسیر تحقق یک اثر علمی، پژوهشی و منطقی بدون توجه به الگوها و طرح‌های موجود در خصوص آن مسئله؛ فهم و شناسایی نظرات علمی در آن موضوع، امری ناممکن است. از آنجا که هویت و به‌ویژه مسئله هویت‌یابی دینی از نظریه‌های حساس و مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ لذا شناخت ابعاد گوناگون چارچوب نظری بحث می‌تواند ما را به کسب بهترین نتایج نائل گرداند تا مبدا نکته و بعدی از آن مورد غفلت قرار گیرد.

ارسطو رشد و تکامل را به سه مرحله بچگی (از تولد تا ۷ سالگی)، کودکی (از ۷ سالگی تا بلوغ) و نوجوانی، رشد و کمال (از بلوغ تا ۲۱ سالگی) می‌نماید. از نظر وی یکی از ویژگی‌های مهم دوران نوجوانی، رشد توانایی انتخاب است. (شعاری نژاد، ۱۳۸۳: ۵۵) همچنین ژان ژاک روس؛ نوجوانی را با ویژگی‌هایی مانند بی‌ثباتی و هیجان‌زدگی در اثر هیجانات زیستی و تغییرات روحی و روانی معرفی می‌کند. وی این تغییرات روانی را در مسائلی مانند خودآگاهی و توانایی تفکر انتقادی مشهود می‌داند. در حقیقت از نظر روسو بلوغ و بحران شبیه به طوفانی است که در آن زایش و انقلاب دوباره دیده می‌شود (احدی و محسنی، ۱۳۸۴: ۲۳)

اریکسون معتقد است انسان‌ها در تمام مراحل زندگی با مخاطرات و بحران‌هایی مواجه هستند. او بحران مرحله نوجوانی را بحران هویت معرفی نموده است (اسلامی، ۱۳۹۰: ۸۳) مقصود از بحران هویتی توجه به حساسیت ویژه دوران نوجوانی و دوران انتقال وی به دوران بزرگسالی است؛ زیرا این فرد به دنبال ارائه تعریفی مناسب و قابل قبول از خود است که به شدت تحت تأثیر شرایط فردی و اجتماعی قرار دارد. لذا اگر شخص دچار سردرگمی از تعریف خود و تعیین معیارهای اجتماعی و فرهنگی... شود؛ مشکلاتی مانند اغتشاش، سردرگمی، ترس، دلهره، عدم انطباق صحیح با شرایط سخت و تاب‌آوری و... در وی به وجود خواهد آمد.

کاستلز معتقد است هویت برای مردم سرچشمه معنا و تجربه است چراکه هویت فرایندی است که فرد بر اثر ویژگی‌های فرهنگی با مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی دیگران و منابع مختلف به وجود می‌آید (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۱۳). از سوی دیگر اریکسون به‌عنوان یکی از مهم‌ترین طراحان موضوع هویت، مذهب را یکی از ارکان چارچوب نظری خود دانسته است و آن را نهادی ارزشمند در طول تاریخ دانسته است چراکه در حقیقت مذهب را تأمین‌کننده نیازهای روان‌شناختی و تقویت‌کننده اعتماد پایه می‌داند. او اعتماد دوران کودکی را پایه ظرفیت ایمان در جوانی و بزرگسالی می‌داند و در یک نگاه کارکردگرایانه به مذهب، جذب جوانان به امور مذهبی را باعث جهت‌گیری آن‌ها در زندگی و سپری در مقابل از خود بیگانگی معرفی می‌کند (آدامز ۱۹۹۴: ۱۲۱).

اندازه‌گیری هویت دینی در هر دین خاص باید به ترجیحات دینی، طبقه‌بندی اقشار و ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای دینی افراد توجه نمود. لذا بر این اساس است که می‌توان هویت دینی را مجموعه‌ای نسبتاً پایدار و ثابت دانست که فرد از رابطه خود با دین در ذهن دارد. هویت دینی افراد از حیث رابطه‌ای که با دین برقرار می‌کنند و اثری که دین بر شخصیت آن‌ها می‌گذارد قابل بررسی است.

۵. گستره‌ی کاربرد آینده‌نگری در قرآن و حدیث

قرآن در موارد متعددی به پیش‌بینی آینده پرداخته و آینده‌نگری‌هایی انجام داده است. برای مثال، پیروزی روم بر ایران پس از مغلوب شدنشان (در ۶۱۵ م) در عرض چند سال (کمتر از ۱۰ سال): «غَلِبَتِ الرُّومُ* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ* فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ» (روم: ۲-۴).

همچنین در آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَنْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) کلمه‌ی «منت» در اینجا به معنای نعمت بزرگ و باارزش است؛ یعنی نعمت حاکمیت مؤمنان. در روایات بسیار، حضرت مهدی (عج) و حکومت آن بزرگوار در آخرالزمان مصداق اتم این آیه معرفی شده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ۹: ۱۶-۱۷). در این آیات خداوند چشم‌انداز، آینده جهان یا هر زمان دیگری را ترسیم کرده است.

آینده‌نگری در تعالیم اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. اسلام به‌عنوان یک مکتب جامع فکری و علمی دیدگاه‌هایی راجع به آینده و آینده‌نگری دارد و پیش‌بینی‌هایی درباره آینده ارائه کرده است. برخی افراد فقط منافع زودگذر کار خود را می‌بینند؛ ولی معایب و عواقب بد آن را تدبیر نمی‌کنند. نقل است حضرت آدم (ع) در سفارش به وصی خود حضرت شیث (ع) گفت: «إِذَا عَزَمْتُمْ عَلَىٰ أَمْرٍ فَانظُرُوا إِلَىٰ عَوَاقِبِهِ فَإِنِّي لَوَنظَرْتُ فِي عَاقِبَةِ أَمْرِي لَمْ يَصْبِرْ مَا أَصَابَنِي» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵۲).

در خصوص اهمیت و ضرورت آینده‌نگری امام صادق (ع) فرموده: «وَاعْلَمَنَّ أَنَّ لِلْأُمُورِ أَوَاخِرَ فَأَحْذَرِ الْعَوَاقِبَ وَأَنَّ لِلْأُمُورِ بَغْتَاتٍ فَكُنْ عَلَىٰ حَذَرٍ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، ۲۵۰: ۷۵).

علاوه بر قرآن و حدیث، عقل نیز آینده‌نگری را تأیید می‌کند تا جایی که گفته شده آینده‌نگری لازمه‌ی عقل است (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱: ۲۵۴). از خواص عقل که تربیت عقل افراد باید بر این اساس باشد مسئله آینده را به حساب آوردن است که روی این مطلب نیز در تربیت‌های اسلامی زیاد تکیه می‌شود که خودتان را در زمان حال حبس نکنید به آینده توجه داشته باشید و عواقب، لوازم و نتایج نهایی کار را در نظر بگیرید (مطهری، ۱۴۲۰، ق: ۴۴).

هراندازه نیروی عقل و اراده در انسان قوی باشد، آینده‌نگری‌اش بیشتر و برنامه‌ریزی‌اش برای آینده دقیق‌تر خواهد بود؛ زیرا انسان به علت داشتن عقل دوراندیش بسیاری کارها را با تدبیر و پایان‌بندی و بررسی جوانب آن انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد (فکری، ۱۳۷۹: ۷-۸). امام علی (ع) فرمودند: «عقل النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۵۲).

شهید مرتضی مطهری نه فقط آینده‌شناسی بلکه آینده‌سازی را کار ویژه انسان می‌داند و می‌گوید:

«انسان یگانه موجودی است که قانون خلقت، قلم ترسیم چهره او را به دست خودش داده است که هر طور که می‌خواهد، ترسیم کند. این است که هر موجودی، حتی حیوان، آن چیزی است که او را ساخته‌اند؛ ولی انسان آن چیزی است که بخواهد باشد... تمام تأسیسات تربیتی، مکتب‌های اخلاقی و تعلیمات دینی و مذهبی برای راهنمایی انسان است که آینده خودش را چگونه بسازد و چگونه شکل بدهد... ایمان انسان را می‌سازد و انسان با نیروی علم، جهان را. علم و ایمان هرکدام نقشی متفاوت در سازندگی آینده انسان دارند. نقش علم این است که راه ساختن را به انسان ارائه می‌دهد. علم انسان را توانا می‌کند که هرگونه بخواهد آینده را بسازد؛ اما نقش ایمان این است که انسان را به سوی این که خود و آینده را چگونه بسازد تا برای خویشتن و جامعه بهتر باشد؛ می‌کشاند» (مطهری، بی‌تا: ۳۴-۳۵).

۶. عناصر و مبانی هویت‌سازی در قرآن کریم

با وجود افزایش و شدت یافتن فرآیندهای توسعه و نوسازی در تمام ابعاد خود، مذهب هم چنان منبع مهمی برای هویت و معنا بخشی در جهان متجدد و آشفته به شمار می‌آید. برخورداری از دین و تعالیم مذهبی، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در فرایند شکل‌دهی هویت دینی بسیار حائز اهمیت است. مذهب علاوه بر این که از لحاظ کارکردی، عامل مهمی در روابط اجتماعی به شمار می‌آید می‌تواند موجب دلگرمی، سرزندگی، نشاط و اشتیاق عمومی گردد. ضمن آنکه در بسیاری از اوقات مذهب در مفهوم جامعه‌شناسی، با تأکید بر بُعد عینی و خارجی آن با سایر مضامین ملی از جمله تاریخ، زبان و گویش، میراث فرهنگی... نیز درآمیخته است.

مذهب از گذشته تاکنون، عامل به وجود آورنده‌ی هویت مشخص برای معتقدان خود و تمایز میان آن‌ها بوده که اعتقادی به آن ندارند. به این معنا که هویت انسان‌ها با مذهب و دین آن‌ها شناخته می‌شود. یهودی، مسیحی یا مسلمان بودن در واقع هویت دینی و فرهنگی انسان‌های مختلف را به نمایش می‌گذارد. به این ترتیب دین و مذهب، کارکردهای اجتماعی مختلفی از قبیل اجتماعی شدن اعضا، کاهش نزاع و درگیری بین افراد، تحکیم ارزش‌های مشترک، یکپارچه‌سازی جامعه و حفظ ثبات اجتماعی و تقویت نظارت اجتماعی را بر عهده داشته است.

اگرچه مذهب در پاره‌ای از بخش‌های جهان، اهمیت خود را به منزله عامل مهم همبستگی از دست داده؛ اما از آنجاکه به‌تنهایی در ایجاد فرهنگ، آداب و رسوم و سنن بسیاری از کشورها تأثیر شگرف دارد، هنوز عامل مهم ملیت محسوب می‌شود. دین اسلام و مذهب و تشیع، عنصر برجسته‌ی هویت ملی ایرانیان است. از این رو در عرصه سیاست‌گذاری و تنظیم روابط میان مذاهب، بنا به ضرورت باید بر اسلام به‌عنوان عامل سامان‌دهی تأکید کرد. لذا می‌توان گفت تقویت مشترکات دینی در میان شهروندان، جوانان و... در هر جامعه و گروهی و پایبندی آن‌ها به شعائر دینی از سوی دیگر، نشان‌دهنده‌ی قوام و ثبات هویت ملی در ایران خواهد بود.

افرادی که دچار بحران هویت دینی و مذهبی می‌شوند و به عبارتی در خصوص مسائل دینی احساس بی‌تفاوتی و بی‌رغبتی می‌کنند با پیامدهای منفی مواجه‌اند نظیر: بی‌اعتقادی به سرچشمه هستی و نگرش اومانیستی به جهان پیرامون آن (حذف خدامحوری)، احساس پوچی، بی‌هدفی و نگرش نیهیلیستی به جهان و زندگی، نداشتن تعهد شخصی، گروهی و اجتماعی در تمامی عرصه‌ها و حتی در نقش‌هایی که به عهده می‌گیرد، عدم مسئولیت‌پذیری در برابر خود، جامعه و دیگران، سست و بی‌معیار شدن نظام ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در فرد، خودستیزی و جامعه‌ستیزی، ضعف باورهای دینی و کاهش خودکنترلی فرد، بی‌اعتمادی به خود، جامعه و در مقابل، سلب شدن اعتماد دیگران نسبت به او، کاهش شبکه‌های ارتباطی و رشد فردگرایی و روحیه‌ی خودخواهی و خودپرستی.

قرآن کریم بی‌هویتی را محل پیدایش خودفروشی و خودزیانی می‌داند؛ زیرا شخص بی‌هویت در یک دادوستد، ارزنده‌ترین گوهر و سرمایه خود را به بهای بسیار ناچیز می‌فروشد. پس هم خود را فروخته و هم در این دادوستد زیان‌دیده است (اکبری، ۱۳۸۷: ۴۲). قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (شوری: ۴۵) همچنان که خداوند متعال در آیه دیگر فرموده است: «لَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ» (بقره: ۹۰) مهم‌ترین مبانی تأثیرگذاری بر شکل‌گیری هویت دینی عبارت‌اند از:

الف) مبانی خدانشناسی و هویت دینی

قرآن کریم انسان را واجد فطرت الهی و مصبوغ به صبغهی حق می‌خواند: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ» (روم: ۳۰). در این آیه به هویت الهی انسان تصریح می‌گردد و این هویت غیرقابل‌تبدیل تلقی می‌شود ولی

بدون شک؛ تصور هویت متعین و ثابت به گونه‌ای که از اکتساب کمال بی‌نیاز باشد، تحصیل حاصل است و مجموعه برنامه تربیتی قرآن و فلسفه‌ی وحی را به چالش می‌کشد.

فطرت الله به‌عنوان هویت مشترک یا خصیصه ذاتی همه مخلوقات در انسان نیز است؛ اما آزادی که عین ذات نفس ناطقه است، ویژه انسان است که پس از الهام فجور و تقوی، باید این هویت مشترک را تعین بخشد. در حقیقت آزادی فصل اخیر انسان است که فطرت متعین را یا تثبیت می‌کند و توسعه می‌دهد یا زایل می‌گرداند. به عبارت دیگر آنچه ثابت است هسته مرکزی یا بنیاد هویت است که به‌عنوان فطرت الهی به او بخشیده می‌شود ولی آنچه به اختیار آدمی و طی تغییرات متعدد، هویت یا «شاکله» او را تشکیل می‌دهد لباس‌هایی است که بر این حقیقت پوشیده می‌شود و تشخص یا به تعبیر فلسفی «فصل اخیر» انسان را تشکیل می‌دهد. نفس که عین آزادی است می‌تواند فعلیت آغازین حیات دنیایی خود را که همان فطره الله است و شامل یکسری گزارش‌های علمی از هست و نیست‌ها و یکسری گزاره‌های هنجاری از بایدها و نبایدها می‌باشند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۷۴)، در پوشش‌های مناسب شکوفا نماید و تکامل بخشد یا برعکس آن را در زیر پوشش‌های نامناسب و ناسازگار بعدی، پنهان کند.

امام خمینی می‌فرماید: فطرت عبارت از شهود واقعیت نفس یعنی فقر ذاتی و حقیقت ربطی آن است. از نظر ایشان یکی از لطایف و حقایقی که در فطرت تمام عائله بشری، به قلم قدرت ازلی، ثبت شده، فطرت است. آن‌چنان که جمیع سلسله بشر - بی استثناء احدی از آحاد - بی اختلاف رأیی از آرای خود را به هویت ذاتیه و به‌حسب اصل وجود و کمال وجود محتاج و مفتقر و حقیقت خود را متعلق و مرتبط بیند (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۹۴).

البته آیه (اعراف: ۱۷۹) و آیه (شمس: ۱۰) نیز این امکان را در اختیار می‌گذارند که فطره الله به آگاهی شهودی نسبت به حقیقت نفس (که فقر ذاتی یا ربط الی الله است) و زشتی‌ها و زیبایی‌های آن، تفسیر شود. البته این آگاهی شهودی به‌تنهایی کافی نیست چون شناخت حصولی و دانش مفهومی به استناد آیه (نحل: ۷۸) در ابتدای تولد منتفی است. در نتیجه بذر فطرت تنها در صورت به‌کارگیری «سمع و بصر و افتده» که شامل دانش‌های مفهومی و گرایش‌های جهت‌دار و همچنین امور مربوط به صیانت نفس است، شکوفا می‌گردد و در غیر این صورت فطرت معطل می‌ماند اگرچه نه نابود می‌شود و نه جایگزینی پیدا می‌کند.

بنابراین اولاً هویت انسان از منظر قرآن ثابت نیست. ثانیاً هویت انسان از منظر قرآن جهت‌دار است ولی کامل نیست؛ زیرا اگرچه قرآن ذات فقیر انسان - «لم یک شیئاً» (مریم: ۶۷) - را از طریق

تأکید بر فاعلیت حق - «انا خلقنا الانسان» - تأکید بر منشأ بودن حق - «نفخت من روحی» - و تأکید بر مرجعیت حق - «الیه المصیر» - با انتساب به حق به هویت الهی متشخص می‌نماید، ولی هویت فطره الهی انسان، بسته به تغییرات که بنا بر ذات آزاد نفس دریافت می‌نماید ممکن است شکوفا گردد یا پنهان شود. جهت ذاتی هویت رو به خداست ولی امکان تعیین از طریق تحصیل صورت‌های متنوع برای فطرتی که در ابتدا صورت الهی داشته، به طور کامل فراهم است. آنچه در جریان زندگی توسط دانش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها، بر شاکله نقش می‌بندد، به طور اساسی تعیین هویت را بر عهده می‌گیرد. در حقیقت فطرت خدایی انسان صرفاً یک امکان واقعی برای تعیین هویت نهایی اوست؛ بنابراین فطرت نوعی هویت واسطه‌ای است؛ میان بی‌هویتی محض «لم یک شیئاً» با هویت نهایی که توسط خود انسان ظهور می‌کند. این هویت نهایی است که چهره‌ی ابدی انسان را بنا بر قانون مجسم اعمال در دنیای دیگر تشکیل می‌دهد.

با این هم بنا بر اینکه تبدیل فقر ذاتی تمام موجودات: «كُلُّ مَنْ عَلِمَا فَاِنْ * وَيَبْقَى وَجْهٌ رَّبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن: ۲۶-۲۷) به عنای ذاتی محال است چون مستلزم انقلاب ذات است، تبدیل هویت ربطی انسان نیز محال است. پس آنچه واقعاً ممکن است، دسیسه فطرت از طریق فراموشی حقیقت فقیر خویش یا بارور نمودن آن از طریق پذیرش توحید و سرسپردگی به ولایت الهی است؛ یعنی آزادی انسان برای کسب هویت‌های گوناگون صرفاً شامل عکس‌العمل او در برابر ولایت حق می‌گردد (ملاصدرا، ۱۳۷۵، ۱: ۱۱۸).

هویت یک واقعیت بلکه تمام واقعیت انسان است؛ زیرا صرف نظر از هویت، انسان واقعیتی ندارد. هویت گرچه به فرآیندها، دانش‌ها و تصویرهای ذهن به‌عنوان مراحل از کسب هویت مربوط است، ولی پدیده ذهنی به معنای رایج آن نیست. یک امر واقعی و عینی است که تمام حقیقت انسان و وجود خاص و جزئی آن را شامل می‌گردد. ذات انسان فقر است و نیستی، پس واقعیت یافتن او مستلزم ربط به هستی است که تنها حی است. پس انسان واقعیتی جز ربط ندارد. یک حقیقت ربطی است، بلکه عین الربط الی الله است. این ذات توخالی که با حضور فراگیر صمد پر شده است، هویتی غیر از رابطه با الله ندارد.

هویت گرچه جهت‌دار است؛ ولی تمام شده و متعین نیست. بنیاد هویت به صورت پیشینی و به نحو مشترک برای همه افراد حاصل است ولی تحقق هویت به جریان منحصر به فرد زندگی هر شخص متوقف است. تشخص هر فرد مستلزم تشکیل شاکله او در مسیر حیات دنیوی است. فطره الله به‌عنوان هویت اولیه، سرآغاز نه سرانجام، هویت نهایی در جریان مستمر زندگی با

صورت‌بندی شاکله، تعیین می‌شود؛ زیرا با توجه به دو آیه‌ی: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۵۱) و «اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷) می‌توان گفت هویت از دید قرآن بر اساس نوع ارتباط با حق تعیین می‌گردد؛ یعنی عامل تعیین‌کننده هویت از دیدگاه قرآن نوع رابطه‌ای است که انسان با حق برقرار می‌سازد و تعیین این رابطه البته بستگی به انتخاب آزاد هر فرد انسان دارد و مهم‌تر اینکه رابطه مذکور یک‌بار و برای همیشه تعیین نمی‌گردد.

تربیت دینی^۱ در فراتر از مرزهای کشورهای اسلامی؛ بیشتر در عرض تربیت عاطفی، اجتماعی، شناختی و... قرار دارد و به معنای آموزش آداب و مناسک خاص دینی است؛ اما در دین اسلام تربیت دینی قلمرو وسیع و گسترده‌تری دارد در تربیت دینی از نظر مفاهیم اسلامی، تربیتی است که شکوفا کننده ابعاد وجودی و نیک انسان‌ها باشد.

الهی بودن، فطری بودن؛ تدریجی بودن، عمومی و فراگیر بودن، جهانی و جاودان بودن و... از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مبانی تربیت دینی در اسلام است. لازم به ذکر است که در مفاهیم اسلامی توجه فراوانی بر علم‌اندوزی؛ تقویت عقل‌گرایی و خردورزی در جهت کشف راه‌حل‌های صحیح شده است. از نظر قرآن کریم انسان سعادت‌مند کسی است که در مسیر بندگی و عبادت خالص‌تر باشد و در اصطلاح به قرب الهی رسیده باشد (مطهری، ۱۴۲۰: ۱۲۹).

در حقیقت در تعلیم و تربیت اسلامی یا همان اصطلاح تربیت دینی؛ آنچه به‌عنوان هدف غایی شناخته می‌شود؛ اموری است که هم‌راستا باهدف آفرینش انسان باشد و ابعاد توحیدی و اعتقادی را در فرد تقویت کند. لذا هرچه الگوی تربیتی به کاربردی شدن این بُعد کمک کند از نظر شاخص‌های تربیت دینی کامل‌تر است. ثمره چنین تربیتی انسانی است که در ظاهر و باطن اعمال او تناقضی وجود نداشته باشد و تنها نیت الهی بر اعمال او تسلط یافته باشد.

اعتقاد انسان به خدا و گرایش فطری به سمت او؛ همواره در شئون مختلف زندگی بشری مؤثر بوده است. این نگاه به‌ویژه توجه به اوصاف الهی و گرایش توحیدی، شخصیت و هویت ویژه‌ای برای فرد می‌سازد که بر تمام جوانب رفتاری او اثرگذار است. علامه طباطبایی مهم‌ترین مبانی تربیت قرآن-دینی را توحید دانسته‌اند. از نظر ایشان؛ مقصود از توحید در اسلام این است

که معتقد باشیم؛ خداوند رب همه است و هیچ ربی جز او وجود ندارد. همگان در جهان تسلیم او هستند و باید تنها در برابر او خشوع قلبی داشت و دستورات او را انجام داد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۱۳۰-۱۳۱). در حقیقت این‌گونه تربیت صحیح نفس و جان آدمی که همان تربیت دینی و قرآنی است، رخ خواهد داد.

ب) مبانی انسان‌شناسی و هویت دینی

نگاه قرآن و احادیث در آنچه مربوط به انسان است همچون تمام طبیعت نگاهی هستی‌شناختی است که به توصیف او از حیث واقعیتش می‌پردازد. جستارهای انسان‌شناختی در آیات قرآن نشان می‌دهند که بخشی از قرآن به جریان خلقت انسان اشاره دارند. این آیات به مراحل از خلقت انسان اشاره دارند که قبل از هر چیز نمایانگر ابعاد وجودی اوست. مراحل خلقت انسان یا مراتب وجودی او عبارت‌اند از:

۱. انسان سابقه هیچی دارد: «وَلَمْ يَكُنْ شَيْئاً» (مریم: ۶۷)؛ «وَلَمْ تَكْ شَيْئاً» (مریم: ۹)؛
۲. انسان چیز قابل‌ذکری نیست: «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» (انسان: ۱)؛
۳. انسان از خاک آفریده شده است: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» (ص: ۷۱)؛ «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲) و «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۲۶)؛
۴. انسان از آب جهنده به وجود آمده است: «خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» (طارق: ۶-۷) نحوه بیان و اشاره به این مرحله از خلقت انسان در این آیه با توجه به جایگاه پست «ماء دافق» در سلسله‌مراتب ارزشی اشیا نشان‌دهنده قصد خاصی است که به شیوه‌های تربیتی قرآن درباره انسان خودفریفته مربوط می‌گردد.
۵. انسان صورت‌های گوناگونی از تطور جسمانی را پشت سر نهاده است: «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ» (مؤمنون: ۱۳-۱۴)؛
۶. در انسان خلق دیگری رخ داده است و از روح که منسوب به حق، غیر جسمانی یا من امر ربی است، در او دمیده شده است: «أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون: ۱۴)؛ «وَوَفَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر: ۲۹ و ص: ۷۲) بدین ترتیب آیات ناظر به خلقت انسان از یک سو نوعی استدرج وجودی را نمایان می‌سازند و از سوی دیگر آیات مذکور آشکارا بر نیاز واقعی و ذاتی انسان در

خلقت یا همان استدراج وجودی به خداوند تأکید می کنند.

۷. قرآن صریحاً نیاز ذاتی انسان را به حق حتی در بقا (علاوه بر حدوث) تبیین می نماید: «یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵) در این آیه فقر ذات انسان معرفی می شود؛ زیرا غنا که صفت ذات حق است در برابر فقر قرار گرفته و چون غنا صفت ذات حق تعالی است، با لحاظ تعبیر الی الله، فقر نیز صفتی ذاتی برای انسان - نه عارض بر ذات او - است؛ یعنی شما فقیر بالذات الی الله که غنی بالذات است، هستید. سه مفهوم ناس، فقیر و الله در این آیه نیز متضمن فراگیری فقر همه‌ی مردم است نه گروهی از افراد مثلاً کفار (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۴۴-۴۷).

تعبیر فقرا و فقیر به معنای کم ثروت، بی ثروت، بی خانه، در راه مانده یا ضعیف نیست. بلکه به معنای کسی است که از همه‌ی جهات توان ایستادن بر پای خود و حفظ استقلال خود را ندارد و وابسته به غیر است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۹۴). همچنین انتم الفقراء الی الله - نه الی الرزاق یا العلیم و غیره - فقر همه‌جانبه و در نتیجه فقر ذاتی انسان را به الله که اسم جامع حق است نشان می دهد.

بنابراین در آیه مذکور ((ناس)) یعنی نوع انسان به خودی خود و صرف نظر از تعیین‌های ایمان، کفر و غیره، فقیر به فقر ذاتی هستند و صرف نظر از همه تهدیدهای احتمالی محیطی (اعرافی: ۱۷) یا نقص‌های احتمالی شخصی (بقره: ۸۱)، فی حد نفسه حتی در قیام و قعود خود محتاج به حول و قوه الهی است چه رسد به اینکه برای دفع تهدیدهای محیطی نیز ناگزیر از استعانت خداوند متعال است (اعراف: ۲۱).

از سوی دیگر تمام تعبیرات هویتی موجود در قرآن به نوعی بر ایمان معطوف است و به جلوه‌ای از رابطه ولایی اشخاص و گروه‌ها با خدا بازمی گردند. برای مثال برخی از تعبیرات هویتی در قرآن که به نظر می رسد، ناظر به روابط قومی - نژادی است نظیر آل فرعون، آل یعقوب، قوم عاد و غیره، گروه‌های اجتماعی به شخصیت برجسته‌ای که دارای رابطه‌ی ویژه‌ای با حق - اعم از طغیان یا پذیرش - است، منسوب می شوند. همچنین دسته‌ای از تعبیرات هویتی در قرآن که تصور می شود معطوف به تقسیمات ناشی از وضعیت اقتصادی است نظیر مترفین، متکثرین، ابناء سبیل و فقرا یا مساکین، در حقیقت ناظر به سلوک اقتصادی گروه‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر تعبیرات مذکور نشان می دهد که معیار دسته‌بندی گروه‌های اجتماعی صرفاً مقدار سرمایه‌ی آنان نیست؛ بلکه خصوصیت نگرش آن‌ها به مال و موضع آن‌ها در برابر خداوند است. چشم‌انداز

آن‌ها درباره استغنای از حق به وسیله جمع‌آوری مال و احساس بی‌نیازی‌ها آن‌ها نسبت به خداوند: «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ* يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ» (همزه، ۲-۳) «وَدَرْزِي وَ الْمَكْذِبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَمَمْلَهُمْ قَلِيلًا» (مزل: ۱۱)، «أَنْ كَانَتْ ذَا مَالٍ وَ بَيْنِي إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (قلم: ۱۴-۱۵) اساس تعبیرات هویتی معطوف به ثروت را تشکیل می‌دهد. همچنین بخشی از تعبیرات هویتی قرآن که معطوف به رابطه قدرت است هویت گروه‌های سیاسی را بنا بر پذیرش ولایت طاغوت‌ها یا سرسپردگی به ولایت حق -یا اولیای حق- تبیین می‌کند. از این‌رو تمام مردم جامعه گرچه در شبکه روابط قدرت گروه‌های مختلف چون انصار، مجاهدین، مهاجرین، مستضعفین و مظلومین یا مستهزئین، ملأ، مستکبرین، آل فرعون و طاغوت‌ها را شامل می‌گردند، ولی چون مناسبات این گروه‌ها صرفاً در محور قبول یا سرباززدن از ولایت حق شکل می‌گیرد؛ بنابراین در یک نگاه کلی آن‌ها را می‌توان در قالب دو گروه مؤمنان و کافران دسته‌بندی نمود.

بنابراین هویت از این منظر، شامل دو حیث وجود شناختی و جامعه‌شناختی است. تشخیص انسان به‌عنوان یک واقعیت، صورت عینی هویت است که جایگاه ویژه‌ی او را در جهان هستی متمایز می‌نماید. ولی تعیین انسان در نقطه خاصی از شبکه‌ی جامعه حاصل نوع آگاهی او از نسبتش با واقعیت است. از این‌رو عموم تعبیرات هویتی در قرآن را می‌توان بازتاب مفهوم دوقطبی ایمان (مؤمن یا کافر) دانست، ولی نکته قابل توجه این است که ارائه‌ی تعبیرات متنوع صرفاً ناشی از تفنن در عبارت نبوده است. این تعبیرات هر یک به شأنی از شئون زیست اجتماعی اشاره دارند که در تقسیمات و گروه‌بندی‌های جامعه بر اساس مسئولیت‌ها یا نقش‌های اجتماعی بااهمیت است. به عبارت دیگر در دیدگاه قرآن نه تنها جنبه اجتماعی هویت کم‌اهمیت یا فراموش شده نیست؛ بلکه اساساً درگیری در زندگی اجتماعی تنها راه برای تعیین و تثبیت هویت است. در دیدگاه قرآن میان نقش جامعه‌شناختی و نقش وجود شناختی مردم هیچ فاصله و مرزی وجود ندارد.

ج) مبانی جهان‌شناسی و هویت دینی

اگرچه تعیین‌کننده اصلی هویت از نظر قرآن، گزینش نوع رابطه با حق است؛ ولی نقش تعیین‌کنندگی این رابطه تنها جنبه وجود شناختی ندارد. نوع رابطه با خداوند نه تنها به فرد در تماشای جهان هستی جهت خاصی می‌دهد و او را به‌عنوان بازیگری در مجموعه وجود به موضع‌گیری وادار می‌نماید، اما نقش‌های اجتماعی و نوع مشارکت او در جامعه را نیز رقم می‌زند.

تصادفی نیست که درجایی از قرآن فلسفه خلقت انسان را بندگی (ذاریات: ۵) و درجایی دیگر خلافت (بقره: ۳۵) معرفی می‌کند. تعبیر بندگی متضمن معنایی وجودشناختی است، درحالی که واژه‌ی خلافت حیث جامعه‌شناختی دارد. مفهوم خلافت شامل عناصری مانند جانشینی از سوی خداوند برای انسان در زمین است. گرچه خلافت مطلق به انسان‌های کامل اختصاص دارد؛ ولی هرکسی به فراخور شأنی از خلافت در زمین را برخوردار شده است (ملاصدرا، بی‌تا، ۱: ۷۳). چنان که در قرآن داوری بر حق نیز شأنی از خلافت محسوب می‌شود: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶) به تعبیری خلافت انسان از سوی خداوند و در زمین نوعی خلافت سلسله‌مراتبی یا تشکیکی است که کامل‌ترین آن برای افرادی است که بر همه‌ی اسمای الهی عالم و از تمام رموز آفرینش آگاه هستند. ولی درجات متنوع خلافت حق در زمین برای همه‌ی مردم بنا بر میزان آگاهی آنان از اسمای حق و رازهای آفرینش، محقق است (ملاصدرا، ۱۳۷۸، ۱: ۵۳).

محور اصیل خلافت انسان کامل فراگیری حقایق جهان هستی به‌عنوان اسمای حسنی خداست. هر انسانی با فراگیری عین آن‌ها در حد خود به مرحله‌ای از مراحل حقیقت تشکیکی خلافت الهی نائل می‌شود. با توجه به اینکه نوع مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بیش از هر چیز مرهون و مدیون آگاهی‌ها و توانایی‌های افراد است؛ بنابراین می‌توان نقش‌های اجتماعی را با لحاظ آیه: «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ» (فاطر: ۳۹) صورت‌هایی از خلافت محسوب کرد. چون آن‌ها فراگیرترین نوع مسئولیت اجتماعی را بر عهده‌دارند.

بر این اساس تماشای جهان هستی به‌عنوان مظهر و آیه‌ی حق نوعی موضع‌گیری وجود شناختی است که نه تنها نقش هر شخص را به‌عنوان بازیگر فعال نظام وجود رقم می‌زند؛ بلکه در همان راستا موضع‌گیری او را در برابر پدیده‌های اجتماعی، انجام رفتار اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی نیز تعیین می‌کند. به‌عبارت‌دیگر چون نقش‌های اجتماعی هر فرد منفک از نقش وجود شناختی او نیست، پس هویت انسان به‌عنوان مؤمن یا کافر که مبتنی بر خودآگاهی از موقعیت خویش و برقراری نوعی رابطه با حق تکوین می‌یابد، در صورت درگیری با زیست اجتماعی اثبات یا حتی تثبیت می‌شود. آمیختگی جنبه اجتماعی هویت با جنبه وجود شناختی آن به‌گونه‌ای است که به نظر می‌رسد تمایز آن‌ها صرفاً در تجزیه تحلیل‌های ذهنی ممکن است؛ زیرا هویت واقعی تدریجی است که در جریان حضور مؤمنانه یا کافران در صحنه‌های گوناگون حوزه شخصی و اجتماعی زندگی شکل می‌گیرد.

از آنجا که هویت به‌طور تدریجی و بر اساس نوع گرایش‌ها و دانش‌ها، همچنین رفتار افراد نهادینه می‌گردد، فرآیند تکوین هویت بسیار وابسته به محیط اجتماعی است. محیط اجتماعی با اعمال محدودیت‌هایی هم در نوع دریافت‌ها و هم در نوع و میزان پاسخ‌های افراد، به جهت‌دهی هویت آن‌ها می‌پردازد و به‌نوبه خود از هویت‌های تشکیل‌شده یا تمایل آن‌ها به تثبیت یا تغییر متأثر می‌گردد.

بعد اجتماعی مفهوم هویت سبب می‌شود تا در دیدگاه اسلامی هویت در سازمانی از قدرت معنادار گردد. از منظر قرآن کریم درخواست برای قدرت یا تمایل به برخورداری از حمایت‌های قدرت زمینه‌ی اساسی، تمسک به اله‌هاست «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُون» (یس: ۷۴) به‌طور متقابل تحقق و تثبیت دین، به قدرت مشروط است (بقره: ۶۳ و ۹۳؛ اعراف: ۱۴۵). نصرت خداوند نسبت به مؤمنین در جهت دستیابی ایشان به قدرت صورت می‌پذیرد (صافات: ۱۱۶)؛ ولی بخشش قدرت از سوی حق درگرو حمایت مختارانه مردم است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ بنابراین هویت‌یابی و تثبیت آن، پدیده‌ای چندوجهی است که بر اساس آیات قرآن کریم مرکزیت آن توجه به مبانی خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی است.

۷. عوامل مؤثر بر تقویت آینده‌نگری و هویت دینی - اسلامی

اکثر حوادث و بحران‌ها گرچه به ناگاه اما اغلب قابل پیش‌بینی و پیشگیری هستند. در این میان بحران‌های فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی هرچند در ظاهر اولیه نسبت به بحران‌های طبیعی مانند زلزله، خسارت و تلفات کمتری دارند؛ اما در واقع شدت تأثیرات و قدرت تخریب آنان در ابعاد ارزشی، اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی کم اثر نبوده بلکه بسیار فراوان است. اصلی‌ترین راه کم کردن این آسیب‌ها آماده بودن جامعه و داشتن استراتژی‌های مناسب در مواجهه با این مخاطرات است (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). توجه به هویت و ساخت ابعاد صحیح هویت در آحاد جامعه می‌تواند یکی از حلقه‌های مفقوده تقویت جامعه در برابر مخاطرات اجتماعی باشد که آینده‌پژوهان باید به آن دقت نظر بیشتری داشته باشند. همچنین توجه به آینده و آماده ساختن افراد برای تغییرات در آینده در صورتی که به‌عنوان بخشی از هویت آنان باشد می‌تواند بسیاری از آسیب‌های پیش رو را کاهش دهد. همچنان که گودرزی معتقد است «اصلی‌ترین راه مدیریت چنین بحران‌هایی گزینش و التزام به استراتژی جامعه آماده و فعال

به جای رفتار غفلت زده و منفعل است. آینده‌نگری فعال بر پایه منابع الهی و با تأکید بر مطالعه تجارب و دستاوردهای بشر، بصیرت آفرین بوده و حرکت افشار گوناگون جامعه را به سوی تعالی و پیشرفت تسهیل خواهد نمود» (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۴۶-۱۴۷).

لازم است ذکر شود که اگرچه هویت دینی به عنوان یکی از لایه‌های مهم هویت‌ساز، شخصیت انسان تلقی می‌گردد؛ اما این مفهوم نقش کلیدی ایجادکننده همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع دارد که طی فرایندی، با ایجاد تعلق خاطر به دین و مذهب در بین افراد جامعه، نقش بسیار مؤثری در ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی ایفا می‌کند (Duane, ۲۰۰۶: ۵۳۵). چراکه هویت دینی به شدت به ماهیت و تاریخ ادیان، تاریخ جنبش‌های مذهبی و نوع عقاید دینی ... مربوط می‌شود. با توجه به شدت یافتن فرآیندهای توسعه و نوسازی در جوامع کنونی، مذهب همچنان در تمام ابعاد خود به عنوان منبعی مهم برای معنا بخشیدن به جهان حساب می‌آید. با وجود نقش دین به طور عام و هویت دینی به طور خاص، در زندگی افراد و به خصوص قشر جوان؛ تعداد کمی از نظریه‌پردازان و محققان به مطالعه و فعالیت در این زمینه پرداخته‌اند.

اریکسون معتقد است که تجارت دوران نوجوانی و جوانی می‌تواند به صورت مستقیم بر باقی مراحل زندگی بزرگ‌سالی اثر بگذارد (اریکسون، ۱۹۶۸: ۹۰). در حقیقت می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی افراد که هم‌زمان با فرایند تثبیت هویت و هویت‌یابی اتفاق می‌افتد، دوران جوانی است. همچنین در بحث فرآیند شکل‌گیری هویت‌ها، ساختار عینی و مادی جامعه، تاریخ، جغرافیا، سیاست و ساختارهای معرفتی مانند فرهنگ، زبان، آرمان‌ها، ایدئولوژی و سنت به طور هم‌زمان نقش دارد.

در شرایط کنونی، بخش زیادی از جوانان در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل هستند و دانشجویان با هویت‌یابی مقارن است، چراکه دانشجویان در پی تغییر، دانستن و تحول در خویشند و این در حالی است که جوانان، به عنوان یکی از مهم‌ترین رده‌های سنی و داشتن خصوصیات خاص دوره جوانی بیشترین ارتباط را با رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی دارند. پاستر معتقد است که «سازندگان هویت افراد در دوره‌ی جدید همان اجتماعات مجازی افراد است» (پاستر، ۱۳۷۷: ۶۸).

از سوی دیگر واضح است که شبکه‌های فراملی مطابق با عرف و معیارهای غربی اداره و مدیریت می‌شوند و هرگونه خیر، آموزش، تحلیل، عکس، ویدئو و ... در آن‌ها بدون هیچ محدودیتی منتشر می‌شود که این مسئله با جامعه ایرانی که دارای بافت دینی و آرمان‌های مذهبی

خاص است تناقض‌ها و تعارض‌های جدی پیدا کرده است. با توجه به نقش مذهب و هویت دینی در جوامع و زندگی افراد، به‌خصوص جوانان مطالعه و بررسی عوامل تقویت‌کننده این فرهنگ آن‌هم بر اساس آموزه‌های قرآنی از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر ما چاره‌ای جز ورود به آینده نداریم، لذا نمی‌توانیم نسبت به آینده بی‌تفاوت باشیم و باید بدانیم که تصمیم‌های امروز، جهان فردا را شکل می‌دهند. بی‌شک چگونگی نگاه انسان به زندگی و این‌که از کدام دریچه به روزگار نگاه کند؛ در اعمال و رفتار او تجلی پیدا می‌کند. در این طریق امور و عواملی هست که در تعالی بخشیدن به زاویه دید انسان، مؤثر هستند؛ که در ذیل بیان می‌کنیم:

الف) ایمان به خدا

«ایمان منحصرأً به اقرار زبان اطلاق می‌شود و گاهی ایمان به معنی اظهار خضوع و نیز به معنی قبول شریعت و آنچه پیامبر اکرم (ص) آورده و اعتقاد قلبی به آن است» (زیبیدی، بی‌تا، ۹: ۱۲۵). از خصلت‌های انسان مؤمن و یکی از ویژگی‌های دین مبین اسلام، آینده‌نگری است و بخشی از تعلیمات این آیین آسمانی، مسلمانان را به بینش آینده‌نگری مجهز می‌سازد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ» (حشر: ۱۸). تنها با اندکی دقت می‌توان متوجه شد که در مفهوم ایمان، توجه به آینده و برنامه‌ریزی برای ساختن فردایی باشکوه و سرشار از لطف و نعمت الهی، نهفته است.

ب) باور به آخرت

ایمان به قیامت و روز معاد تأثیر عمیقی در رفتار انسان دارد. کسی که معتقد است از پس امروز فردایی است لاجرم خود را برای حضور در فردا آماده می‌کند؛ اما کسی که امروز را پایان زندگی خود و پایان روز کاری خود می‌داند دلیلی برای آماده کردن خود برای فردا ندارد؛ بنابراین انسانی که معتقد به قیامت و روز حساب است همواره چنان عمل می‌کند که برای آینده خود نیز، پس‌اندازی داشته باشد. عقل سلیم آینده‌نگری و آماده شدن برای مواجهه با آینده را تأیید می‌نماید (ساجدی نیا، ۱۲۳: ۱۳۸۳).

موضوع قیامت به‌دفعات در قرآن با تمثیل‌های مختلف یادآوری شده است تا انسان‌ها از خواب غفلت بیدار شوند و دنیا را به بطالت و بیهودگی نگذرانند «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون: ۱۱۵). انسان آینده‌نگر غرض و هدفش در دنیا و کوشش‌هایش

در دنیا، آخرت است و از دنیا پلّی برای آخرت می‌سازد. «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْأَخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» (رعد: ۲۶). به طوری که از سیاق برمی‌آید مقصود از آن این است که رزق حقیقی همانا رزق آخرت است و حال آنکه زندگی دنیا متاع و وسیله است و مقصود بالذات نیست و باید از آن برای زندگی دیگر استفاده کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۳۴۸).

«الْحَازِمُ مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ». تنها سرمایه انسان زندگی اوست و از آن برای آخرت استفاده می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۷۴).

هوگو در یکی از خطابه‌های خیلی عالی اش می‌گوید:

«راستی اگر انسان این طور فکر کند که عدم است و بعد از این زندگی، نیستی مطلق است، دیگر اصلاً برای او زندگی ارزشی نخواهد داشت. آن چیزی که زندگی را برای انسان گوارا و لذت بخش می‌سازد، کار او را مفرّح می‌سازد، به دل او حرارت و گرمی می‌بخشد، افق دید انسان را خیلی وسیع می‌کند، همان چیزی است که دین به انسان می‌دهد، یعنی اعتقاد به جهان ابدیت، اعتقاد به خلود، اعتقاد به بقاء بشر، اعتقاد به اینکه توای بشر! فانی نیستی و باقی خواهی بود، تو از آن جهان بزرگ تری، این جهان برای تو یک آشیان کوچک و موقّتی است، این جهان فقط یک گهواره برای دوران کودکی توست، دوران بیشتر دوران دیگری است» (مطهری، بی تا: ۷۶).

ج) تفکر

یکی دیگر از عوامل تقویت آینده‌نگری فکر کردن است. اگر انسان پیش از انجام کارهایش فکر کند دیدش نسبت به آینده بازتر می‌شود. بر انسان واجب است که هدف خود را معین کند و در ضمن پرداختن به زندگی به همه اشکال آن، از خوردن، آشامیدن و تلاش برای طلب روزی، به تفکر درباره آینده خویش پردازد (جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷، ۱۶: ۱۷۰). در قرآن کریم آمده است که: «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ». (قصص: ۶) گاهی کلمه «فَانظُرْ» به معنی «تفکر» گرفته شده است (سیزواری نجفی، ۱۴۱۹ ق: ۳۹۵). انسان بالاترین عباداتش تفکر در آثار قدرت الهی، در عواقب امور و در پیشامدهای عالم آخرت است (طیب، ۱۳۷۸، ۱۰: ۳۷۵). ثمره این تفکر هوشمندانه هدایت انسان، بیداری از خواب غفلت و کوشش برای رسیدن به سعادت ابدی است (مروتی، ۱۳۸۱: ۷۳).

تفکر عبادت شمرده می‌شود. مکرر شنیده‌اید احادیث زیادی را که به این عبارت‌ها است: «عن أبي عبدالله (ع): تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ؛ یک ساعت فکر کردن بهتر از یک

سال عبادت کردن است» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۱: ۱۸۳). این تعابیر همان‌طور که بسیاری از علما گفته‌اند به واسطه این است که نوع و موضوع تفکرها فرق می‌کند (مطهری، بی‌تا، ۲۴: ۳۶۹). «الْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ» (تمیمی آمدی، ۴۷۴: ۱۳۶۶). کسی که می‌خواهد دوران‌دیش و عاقبت بین باشد باید کاری را بی‌تأمل و تدبّر بلکه بی‌مصلحت و مشورت نکند.

شخصی آمد خدمت رسول اکرم و عرض کرد: یا رسول الله! به من نصیحتی و موعظه‌ای بفرمایید. نوشته‌اند که ایشان سه بار این جمله را تکرار کردند، فرمودند: آیا اگر من بگویم، تو به کار می‌بندی؟ گفت: بله. (البته این تکرار برای این بود که جمله‌ای که می‌خواستند بگویند، بیشتر در ذهنش رسوخ پیدا کند و بفهمد که جمله بارزشی است و نباید فراموش کند) بعد فرمود: «إِذَا هَمَمْتُ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، ۶۸: ۳۳۸-۳۳۹).

انسان باید از منطقی پیروی کند نه از احساسات به همین منظور لازم است، نورافکن عقل و اندیشه خود را به اطراف انداخته و جوانب و اطراف کار را تحت نظر گرفته است؛ ولی در کاری که از روی احساسات صورت می‌گیرد نقشه، حساب و دوران‌دیشی در کار نیست (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۴۱-۲۴۲)؛ پس انسان متفکر، بی‌برنامه، بدون آینده‌نگری و بدون در نظر گرفتن تمام جوانب، هرگز دست‌به‌کاری نمی‌زند.

د) داشتن هدف

هدف در لغت به معنای نشانه و تیر به کاررفته است (صفی پور، ۱۳۷۷، ۴: ۱۳۵۳). علامه جعفری در تعریف هدف می‌فرماید هدف عبارت است از آن حقیقت موردنظر که آگاهی و اشتیاق به دست آوردن آن، محرک انسان به سوی انجام دادن حرکات معینی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید (جعفری، ۱۳۷۵: ۲۴).

هر کاری در انسان مبدأ و هدفی دارد؛ یعنی در انسان یک احساس، یک میل، یک عاطفه هست که محرک او به یک کار است و اگر نبود محال بود که انسان، آن کار را انجام بدهد. محال است انسان کاری را انجام بدهد؛ بدون آنکه یک محرکی، یک میلی یا یک خوفی در او وجود داشته باشد و هر کاری هدفی دارد. انسان از هر کاری یک منظوری دارد که می‌خواهد به آن منظور و هدف برسد (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۳). به همین خاطر کسی که دارای هدف است پوچی برای او بی‌معنا است. افراد هدفمند به آینده می‌اندیشند؛ زیرا هدف در آینده محقق می‌شود (عبدی پور، ۱۳۸۱: ۵).

امام علی (ع) می‌فرماید: «اجْعَلْ هَمَّكَ وَجِدَّكَ لِاخِرَتِكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۴). شناخت هدف، برای هر انسان عاقلی در امور شخصی یا اجتماعی، لازم و ضروری است و هر کس باید برای خود در زندگی، هدف یا اهدافی را ترسیم نماید و برای رسیدن به آن‌ها تلاش کند خواه این اهداف معنوی باشند یا مادی (نبوی، ۱۳۸۸: ۴۹).

لذا افراد خودآگاه و آینده‌نگر دارای مجموعه روشنی از اهداف از پیش تعیین شده هستند که برای دستیابی به آن‌ها، هم به توانایی‌های خود و هم شرایط موجود، دقت کافی مبذول می‌دارند. ولی نکته مهمی که این افراد به آن آگاهی دارند این است که دستیابی به هر هدفی مستلزم صرف وقت، تلاش و سخت‌کوشی است، بدین معنی، بعد از اینکه اهداف خود را انتخاب کردند؛ سعی می‌کنند با برنامه‌ریزی زمانی و توجه به آینده پیش روند.

۵) مشورت طلبی

با توجه به گستردگی اطلاعات و وسعت مسائل و موضوعات، توانایی‌های فکری انسان محدود است و او به‌تنهایی قادر به تصمیم‌گیری در همه زمینه‌ها نیست. یک فرد هرچند هم آگاهی‌های زیادی داشته باشد باز نمی‌تواند به همه ابعاد مسائل پی ببرد. اعتقاد به محدودیت فکری انسان، موجب آمادگی فرد برای استفاده از نظرات دیگران می‌شود (عباس نژاد، ۱۳۸۴ الف: ۱۳۵).

«شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...». (آل عمران: ۱۵۹) مشورت و نظرخواهی از دیگران به‌منظور استفاده از نظرات آن‌ها مسئله‌ای عقلی است و عدم مشورت و استبداد به رأی یکی از بیماری‌های مهلک مدیران در تصمیم‌گیری است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۶۶). امیر مؤمنان علی (ع) در مورد عواقب عدم مشورت و استبداد به رأی چنین هشدار می‌دهد: وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام... «وَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۲). هیچ خردمندی خود را از آن بی‌نیاز نمی‌داند. علی (ع) می‌فرماید: «لَا يَسْتَعْفَى الْأَعْقَلُ عَنِ الْمَشَاوَرَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۷۸).

از آنجا که به‌وسیله مشورت طلبی و نظرخواهی، آگاهی‌های انسان بیشتر می‌شود و زوایا و ابعاد مختلف یک مسئله برای او روشن‌تر می‌گردد؛ در نتیجه تصمیم‌هایی که بعد از مشورت اتخاذ می‌شوند؛ معقول‌تر و درست‌تر می‌باشند؛ و پیش‌بینی‌های لازم برای آینده، روشن‌تر می‌گردند.

ز) تاریخ نگری

همان‌طور که اسلام، مسلمانان را به شناخت گذشته توصیه می‌کند به همان اندازه نیز آینده‌نگری

را مورد توجه قرار می‌دهد؛ زیرا این همه تأکید و تشویق برای شناخت گذشته به خاطر آینده است و ما اگر سرگذشت گذشتگان، رویدادهای اقوام و ملل مختلف جهان را بخوانیم و از زیبایی‌های آن در زندگی و آینده سازی خویش، بهره نگیریم، نه تنها تاریخ را به عنوان سرگرمی و وقت گذرانی خوانده ایم بلکه تا حدی کار لغو و بیهوده انجام داده ایم (تقوی دامغانی، ۱۳۷۱: ۱۷۴).

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف: ۱۱۱)؛ عبرت مخصوص به حالتی است که انسان به وسیله آن، از شناختن چیزی که قابل مشاهده است به چیزی که قابل مشاهده نیست می‌رسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۴۳).

یکی از عوامل موفقیت در کار آینده‌نگری و مدیریت، گذشته‌نگری است. مدیر با درایت و جستجوگر کسی است که گذشته‌های بسیار دور را بنگرد و از تاریخ گذشتگان که منبع ارزشمند معرفت و تجربه‌ها است، درس بیاموزد؛ زیرا تجارب گذشتگان نتیجه تلاش‌های فراوان ملت‌ها و رجال سخت کوش است. کمتر حادثه‌ای را می‌توان در زندگی بشر امروز یافت که نمونه‌هایی از آن در گذشته اتفاق نیفتاده باشد (عباس نژاد، ۱۳۸۴ ب: ۲۶۹؛ علوی، ۱۳۸۵: ۴۴).

«فَأَقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف: ۱۷۶). تاریخ همیشه تکرار می‌شود و این واقعیتی غیرقابل انکار است چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِيه» (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۶). همچنین امام علی (ع) موفقیت و امکان دستیابی به اهداف و کارهای مورد نظر را نتیجه حفظ تجربه و استفاده بهینه از آن‌ها می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ حَفِظَ التَّجَارِبَ أَصَابَتْ أَعْمَالُهُ» (فلسفی، ۱۳۷۶: ۲۶۷).

لذا بهره‌گیری مناسب از تجارب گذشته، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در اختیار افراد قرار دهد. اگر از تجارب گذشته به صورت صحیح بهره‌برداری شود؛ میزان خطا و اشتباه در تصمیم‌ها کاهش می‌یابد و تصمیمات از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار خواهند شد.

بنا بر آنچه گذشت می‌توان گفت هویت‌یابی یکی از جنبه‌های مهم تعالی ابعاد روحی و روانی افراد است که به صورت مستقیم بر زندگی فردی و اجتماعی آنان مؤثر است؛ بنابراین مسئله تثبیت هویت به مجموعه ویژگی‌ها و مشخصات فردی، اجتماعی، احساسی و اندیشه‌های مرتبط گفته می‌شود که فرد آن‌ها را از طریق توانایی، کنش متقابل با خود و با یافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد. هویت‌یابی دینی زمینه‌ساز هویت‌یابی فرد می‌شود و موفقیت در تثبیت این هویت به احساس یکپارچگی، همبستگی و وحدت بین فرد و جامعه می‌انجامد.

هویت دینی را می‌توان در دو سطح مشاهده کرد: سطح فردی که تقریباً مترادف با دین‌داری

فردی است و همچنین در سطح اجتماعی که در این بخش، هویت دینی متضمن آن سطح از دین‌داری است که با اجتماع دینی یا امت مقارنه دارد. در این معنا، هویت دینی به معنای تعلق و تعهد به جامعه دینی است و البته هر دو سطح از هویت دینی، متضمن میزانی از دین‌داری است. آینده‌نگری و اصول مهم مؤثر بر تقویت آن یکی از راه‌های مهم رسیدن و تثبیت هویت دینی است.

۹. نتیجه‌گیری

هویت، حاصل تلاش و توفیق یا موهبت و اکتساب است. هر شخص در صورت‌بندی شاکله یا تعیین هویت خویش از آزادی به‌طور نسبی - نه مطلق - برخوردار است؛ زیرا نه تنها صورت اولیه هویت (خواسته یا ناخواسته) در حقیقت انسان نقش بسته است، بلکه امکانات هر فرد برای تغییر یا تثبیت هویت و تکوین صورت جدیدی در شاکله محدود است.

عامل تعیین‌کننده هویت، نوع رابطه انسان با خداست. این رابطه که به لحاظ ثبوتی در عالم واقعی محقق است اما به لحاظ اثباتی منتظر انتخاب شخص می‌ماند. فرآیند انتخاب صرفاً میان دو گزینه آری یا نه (قبول یا رد) رخ می‌دهد، ولی طیفی از هویت‌ها را بر اساس درجه پذیرش ولایت الهی یا طغیان نسبت به آن، موجب شکل می‌دهد. چنان‌که آیات (فاتحه: ۶؛ نور: ۲۶؛ آل عمران: ۱۷؛ واقعه: ۷) به گروه‌های گوناگونی از این طیف اشاره می‌نمایند. لذا به نظر می‌رسد در یک سر این طیف «السابقون السابقون اولئک المقربون» قرار دارند و در سر دیگر آن «اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون» واقع شده‌اند.

تکوین هویت بر مبنای شناخت توحید و التزام عملی به آن و به‌صورت تدریجی رخ می‌دهد. بر اساس فرآیند تدریجی تکوین هویت راز تذکر معارف توحیدی در قرآن و ادعیه همچنین فلسفه تکرار عبادات و برخی توصیه‌های اخلاقی آشکار می‌شود؛ زیرا هویت از دیدگاه قرآن واقعیتی پویا و انعطاف‌پذیر است که در طول حیات یک فرد یا گروه اجتماعی تغییر می‌کند و در هر لحظه از زندگی مستلزم تصمیم‌گیری آگاهانه است.

آینده‌نگری از عقل و اندیشیدن انسان‌ها برمی‌خیزد و از دیرباز موردعلاقه انسان بوده است. از نظر مفهوم‌شناسی، کلماتی مانند حزم (دوراندیشی) و تدبیر معادل و نزدیک به همین معنی، در این حوزه به کاررفته‌اند. علاوه بر این دو کلمه، در احادیث از اصطلاح «النظر فی العواقب» برای این مفهوم استفاده شده است.

آینده‌ای که ادیان الهی مخصوصاً اسلام به آن می‌پردازد در بسیاری از عرصه‌ها مربوط به زندگی این دنیا است؛ اما توجه عمیق ادیان به حیات انسانی در عرصه هستی سبب شده است تا بیشتر به آینده و عاقبت اخروی انسان، عنایت داشته باشند. اسلام انسان را جاودانه می‌داند. لذا مقطع آینده‌نگری در ادیان (مخصوصاً اسلام) از این جهان مادی فراتر رفته و به جهان آخرت نیز توجه می‌نماید؛ اما در این راه اوامری انسان را از توجه به آینده باز می‌دارند و مانع و رادع وسعت دید انسان نسبت به زمان بعد می‌شوند و او را در زمان حال و کارهای روزمره گرفتار و زنجیر می‌کنند. این اوامر به‌عنوان بازدارندگی‌ها مطرح هستند. اوامری چون دنیاطلبی، موقعیت‌شناسی، یأس و ناامیدی و ...

اما آینده حتماً خواهد آمد و در پی خود برای انسان و جوامع انسانی دگرگونی و تغییراتی نسبت به زمان حال به ارمغان خواهد آورد. پس تأثیرگذاری آینده‌نگری بر زندگی انسان امری حتمی و قطعی است. بدین خاطر انسان به یافته‌های خود در آینده توجه خاصی دارد و اعمال و رفتار کنونی خود را متناسب با تصورش از آینده تنظیم می‌کند. حال اگر آدمی آینده‌نگری و آمادگی لازم برای رویارویی و تنظیم شدن با آینده را نداشته باشد دچار ناهنجاری‌های گاه خطرناکی در زندگی فردی و اجتماعی خود خواهد شد. بنابراین باید با در نظر گرفتن عواملی چون داشتن باور به آخرت، ایمان به خدا، هدف و تصورات زیبا از آینده، آینده‌نگری را تقویت نمود و انگیزه حرکت و تلاش، برای خود در این مسیر مهیا کند. بهسازی آینده از آرمان‌های هر فرد و جامعه‌ای است که می‌خواهد (اگر بتواند) آینده‌ای بهتر داشته باشد پس با برنامه‌ریزی و نگرش صحیح به آینده می‌توان نشاط، آرامش، امید و رشد را در جوامع انسانی به دست آورد.

فهرست منابع

*قرآن کریم.

*نهج البلاغه، سید رضی، [بی جا]، بنیاد نهج البلاغه، چ اول، ۱۳۷۲.

۱- ابن فارس، احمد (۱۳۸۷)، ترتیب مقایس اللغه، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲- احدی، حسن، محسنی، نیکچهره، (۱۳۸۴)، روانشناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی، تهران، پردیس.

۳- احمدی، سیروس و همکاران، (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: شهر یاسوج)»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴، سال بیست و پنجم.

۴- اسلامی، شهباز، (۱۳۹۰)، رابطه هویت ملی و دینی با سبک‌های پردازش هویت در دانش آموزان دبیرستان‌های شهرستان قشم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد مرودشت.

۵- اکبری، بهمن، (۱۳۸۷)، «بحران هویت و هویت دینی»، پیک نور، سال ششم، شماره چهارم.

۶- آقاپور، علی؛ پهلوان، فاطمه (۱۳۸۶)، «آینده‌نگری؛ مبانی، ضرورت‌ها و روش‌شناسی‌ها»، راهبرد، شماره ۹.

۷- پاستر، مارک، (۱۳۷۷)، عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، مؤسسه ایران.

۸- پسندیده، عباس، (۱۳۸۸)، اخلاق پژوهی حدیث، تهران، انتشارات سمت.

۹- تقوی دامغانی، رضا، (۱۳۷۱)، نگرشی بر مدیریت اسلامی، چاپ ششم، [بی جا]، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات.
۱۱-

۱۲- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۵)، فلسفه و هدف زندگی، تهران، مؤسسه انتشاراتی قدیانی.

۱۳- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۵)، مدیریت در اسلام، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴-

۱۵- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم، اسراء.

۱۶- حسین زاده، هدایت (۱۳۸۹)، «آینده‌نگری مثبت در نهج البلاغه»، آموزش معارف اسلامی، دوره ۲۲، شماره ۲.

۱۷- حکیمی، اخوان، آرام احمد، (۱۳۸۰)، الحیاه، احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۸- خاکبازان، نوید؛ رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۶)، «تبیین سازه «حزم» (آینده‌نگری) بر اساس اندیشه اسلامی»، معرفت، سال ۲۶، شماره ۲۴۱ (ویژه روانشناسی).

۱۹- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۰- داوودی، زهرا، حیدری، حکیمه، فاتحی زاده، مریم، (۱۳۸۹)، تأثیر آموزش راه‌های معنایابی و آموزه‌های اسلامی را بر شادکامی دانشجویان، مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران.

- ۲۱- دشتی، محمد، (۱۳۷۶)، فرهنگ واژه‌های معادل نهج البلاغه، چاپ دوم، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- ۲۲- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، چاپ اول، [بی‌جا]، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۲۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق- بیروت، دارا لعلم دار الشامیه.
- ۲۴- رشاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۵)، دانشنامه امام‌علی (ع) (اخلاق و سلوک)، چاپ سوم، [بی‌جا]، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۵- زبیدی، محمد مرتضی، (بی‌تا)، تاج العروس، بیروت، دار احیاء التراث العربیه.
- ۲۶- ساجدی نیا، محمدحسین، (۱۳۸۳)، اصول و مبانی مدیریت اسلامی، چاپ دوم، تهران، شهر آشوب.
- ۲۷- سامانی، سیامک، فولاد چنگ، محبوبه، (۱۳۸۵)، روانشناسی نوجوانی، شیراز، ملک سلیمان.
- ۲۸- سبزواری نجفی، محمد، (۱۴۱۹ ق)، ارشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- ۲۹- شجاعی، محمدصادق، (۱۳۸۸)، درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی، قم، دارالحدیث.
- ۳۰- شعاری نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۳)، روانشناسی رشد ۲: نوجوانی و بلوغ، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۳۱- شمشیری، بابک، (۱۳۸۷)، درآمدی بر هویت ملی، چاپ اول، شیراز، انتشارات نوید.
- ۳۲- صدر المتألهین شیرازی، (ملاصدرا)، محمد، (۱۳۷۸)، اسرار الآیات، قم، نشر حبیب.
- ۳۳- صدر المتألهین شیرازی، (ملاصدرا)، محمد، (بی‌تا)، اسفار، قم، مصطفوی.
- ۳۴- صدر المتألهین شیرازی، (ملاصدرا)، محمد، (۱۳۷۵)، الشواهد الربوبیه، ترجمه محمدجواد مصلحی، تهران، سروش.
- ۳۵- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۰۳ ق)، معانی الأخبار، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
- ۳۶- صفی پور، الرحیم بن عبدالکریم، (۱۳۷۷)، منتهی الأرب فی لغه العرب (عربی به فارسی)، [بی‌جا]، اسلامیه.
- ۳۷- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۲)، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، تهران.
- ۳۸- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- ۳۹- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی.
- ۴۰- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- ۴۱- طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
- ۴۲- عباس نژاد، محسن، (۱۳۸۴ الف)، قرآن- مدیریت و علوم سیاسی، چاپ اول، مشهد، پژوهش‌های

- قرآنی حوزه و دانشگاه.
- ۴۳- عباس نژاد، محسن، (۱۳۸۴ ب)، قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی، چاپ اول، مشهد، پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- ۴۴- عبدی پور، حسن، (۱۳۸۱)، «تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی»، فصلنامه علمی-تخصصی انتظار ویژه امام مهدی (عج)، سال دوم، شماره ۵.
- ۴۵- علوی، جعفر، (۱۳۸۵)، اضطراب: از مجموعه مقالات قرآن و روان‌شناسی و علوم تربیتی، چاپ اول، تبریز، مرکز بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- ۴۶- فکری، جعفر، (۱۳۷۹)، «جوان و آینده‌نگری»، معارف اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۴۷.
- ۴۷- فلسفی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، الحدیث-روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۸- قرائی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۴۹- قرشی، علی‌اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۵۰- کاستلز، امانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: قدرت هویت، ترجمه حسین چاوشیان، تهران، طرح نو.
- ۵۱- گودرزی، غلامرضا، (۱۳۸۲)، «طراحی مدل مفهومی آینده‌نگری مدیریت بحران با رویکرد فرهنگی»، کمال مدیریت، شماره ۴-۵.
- ۵۲- گودرزی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۵۳- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- ۵۴- لطف‌آبادی، محسن، (۱۳۹۲)، بازخوانی نظری مفهوم «هویت»، خردنامه، شماره دهم.
- ۵۵- مترجمان، (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۵۶- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- ۵۷- محدثی، جواد، (۱۳۸۹)، «تدبّر و آینده‌نگری»، نشریه معارف اسلامی، سال ۲۹، شماره ۸۱.
- ۵۸- مروتی، سهراب، (۱۳۸۱)، تکامل انسان در آئینه اخلاق، ایلام، انتشارات گویش.
- ۵۹- مطهری، مرتضی، (بی‌تا)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، [بی‌جا].
- ۶۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۸)، بیست گفتار، چاپ پنجم، قم، صدرا.
- ۶۱- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، فلسفه اخلاق، چاپ اول، [بی‌جا]، انتشارات اسوه.
- ۶۲- مطهری، مرتضی، (۱۴۲۰ ق)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ سی و چهارم، [بی‌جا]، انتشارات صدرا.
- ۶۳- مکارم‌شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ الف)، پیام قرآن، چاپ پنجم، قم، انتشارات مدرسه الامام‌علی بن ابی‌طالب (ع).
- ۶۴- مکارم، ناصر، (۱۳۷۴ ب)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۶۵- المنوفی، کمال، (۱۳۷۵)، اسلام و توسعه، مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، تهران، بینش.

۶۶- نبوی، محمدحسن، (۱۳۸۸)، مدیریت اسلامی، چاپ چهاردهم، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

۶۷- نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت.
68- Adams, Gerald R., Gullotta, Thomas P. and Adams, carol Markstorm(1994), Adolescent life Experiences. California: Brooks/ colepublishing company.

69- Duane, A (2006), "Measuring Religious Identities in Surveys".Public Opinion Quarterly. Vol70, No4, pp32-50

70- Eriksson, E, H. (1968). Identity: Youth and Crisis. New York; W.W. Norton.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

REFERENCES

* The Holy Quran.

* Nahj al-Balagha, Seyyed Razhi, [n.p], Nahj al-Balagha Foundation, first ed., 1372.

1. Ibn Faris, Ahmad (1387), *Tartib Maqayis al-Lughah*, first edition, Qom, Hawzah and University Research Institute.
2. Ahadi, Hasan, Mohseni, Nikchareh, (1384), *Developmental Psychology: Fundamental Concepts in Adolescence and Youth Psychology*, Tehran, Pardis.
3. Ahmadi, Siros et al., (1393), "Investigating the relationship between religious identity and social capital (case study: Yasouj city)", *Applied Sociology*, No. 4, Year 25.
4. Eslami, Shahbaz, (1390), the relationship between national and religious identity and identity processing styles in Qeshm high school students. Master's thesis of Azad Marvdasht University.
5. Akbari, Bahman, (1387), "Crisis of identity and religious identity", *Peyk Noor*, Year 6, No. 4.
6. Aghapour, Ali; Pahlevan, Fatemeh (1386), "Forsight; Basics, Necessities and Methodologies", *Rahbord*, No. 9.
7. Pasteur, Marc, (1377), *The Second Age of Media*, translated by Gholamhossein Salehyar, Tehran, Iran Institute.
8. Pasandideh, Abbas, (1388), *Ethics of Hadith Studies*, Tehran, Samt Publications.
9. Taqavi Damghani, Reza, (1371), *an attitude towards Islamic management*, 6th edition, [n.p], Islamic Tablighat Organization Publishing Center.
10. Tamimi Amidi, Abdul Wahid, (1366), *Ghurur al Hikam wa Durar al-Kalim*, 1st edition, Qom, Tablighat office.
11. Jafari, Mohammad Taqi, (1349), *translation and interpretation of Nahj al-Balagha*, Tehran, Islamic Culture Publications.
12. Jafari, Mohammad Taqi, (1375), *Philosophy and Purpose of Life*, Tehran, Qadiani Publishing House.
13. A group of authors, (1385), *Management in Islam*, 4th edition, Qom, Hawzah and University Research Institute.
14. Javadi Amoli, Abdullah, (1372), *Sharia in the Mirror of Knowledge*, Qom, Raja Cultural Institute.
15. Javadi Amoli, Abdullah, (1379), *Tasnim (interpretation of the Holy Qur'an)*, Qom, Isra'.
16. Hosseinzadeh, Hedayat (1389), "Positive futurism in Nahj al-Balagha", *educating Islamic teachings*, Vol. 22, No.2.
17. Hakimi, Akhawan, Aram Ahmad, (1380), *Al Hayah*, Ahmad Aram, Tehran, Islamic Cultur Publishing House.
18. Khakbazan, Navid; Rafiei Honar, Hamid (1396), "Explaining the structure of "Hazm" (for-sight) based on Islamic thought", *Marifet*, Year 26, No. 241 (specialized in psychology).
19. Khomeini, Ruhollah, (1377), *Commentary on the Hadith of Junoud Aql wa Jahl (Soldiers of Reason and Ignorance)*, Tehran, Imam Khomeini (RA) Editing and Publishing Institute.
20. Davoudi, Zahra, Heydari, Hakimeh, Fatehizadeh, Maryam, (1389), *The effect of teaching ways of finding meaning and Islamic teachings on students' happiness*, *Proceedings of the 5th*

National Seminar on Student Mental Health, Tehran.

21. Dashti, Mohammad, (1376), Dictionary of Equivalent Words of Nahj al-Balagha, second edition, Qom, Amir al-Mu'minin (AS) Research Institute.
22. Dehkoda, Ali-Akbar, (1373), Dictionary of Dehkoda, first edition, [n.p], Publishing and Printing Institute of Tehran University.
23. Raghīb Isfahani, Hussain bin Muhammad, (1412 AH), Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, first edition, Damascus-Beirut, Dar al-Ilm, Dar al-Shamiyah.
24. Rashad, Ali Akbar, (1385), Encyclopaedia of Imam Ali (A.S.) (Ethics and Conduct), third edition, [n.p], Islamic Culture and Thought Research Institute.
25. Zubaidi, Mohammad Murtedha, (n.d), Taj al-Aroos, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
26. Sajedinia, Mohammad Hossein, (1383), Principles and Basics of Islamic Management, second edition, Tehran, Shahr Ashub.
27. Samani, Siamak, Foulad Chang, Mehboobeh, (1385), Adolescent Psychology, Shiraz, Molk Soleiman.
28. Sabzevari Najafi, Muhammad, (1419 A.H.), Irshad al-Azhan to Tafsir al-Qur'an, first edition, Beirut, Dar al-Ta'aruf for Press.
29. Shojaei, Mohammad Sadiq, (1388), an introduction to the psychology of behavior regulation with an Islamic approach, Qom, Dar al-Hadith.
30. Shoarinejad, Ali Akbar, (1383), Psychology of Development 2: Adolescence and Puberty, Tehran, Payam Noor University Publications.
31. Shamshiri, Babak, (1387), Introduction to National Identity, first edition, Shiraz, Navid Publications.
32. Sadr al-Muta'allihin Shirazi, (Molla Sadra), Muhammad, (1378), Asrar al-Ayat, Qom, Habib Publishing.
33. Sadr al-Muta'allihin Shirazi, (Molla Sadra), Muhammad, (n.d), Asfar, Qom, Mustafavi.
34. Sadr al-Muta'allihin Shirazi, (Molla Sadra), Muhammad, (1375), Al-Shawahid al-Rububiyah, translated by Mohammad Javad Moslehi, Tehran, Soroush.
35. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babawayh, (1403 AH), Ma'ani al-Akhbar, first edition, Qom, Jamia al-Mudarrisin.
36. Safipour, Al-Rahim bin Abdul Karim, (1377), Muntaha al-Irab fi Lughat al-Arab (Arabic to Farsi), [n.p], Islamiah.
37. Tabatabai, Muhammad Hussein, (1362), Shia in Islam, Islamic Publication Office, Tehran.
38. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1374), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of Jamia al-Mudarrisin.
39. Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hasan, (1360), Majma al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an, translators, first edition, Tehran, Farahani Publications.
40. Turaihi, Fakhruddin, (1375), Majma Al-Bahrain, third edition, Tehran, Mortazavi bookstore.
41. Tayyib, Abdul Hussein, (1378), Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, second edition, Tehran, Islam Publications.
42. Abbas Nejad, Mohsen, (1384), Quran, Management and Political Sciences, first edition, Mashhad, Quranic researches of the Hawzah and University.

43. Abbas Nejad, Mohsen, (1384), Quran, psychology and educational sciences, first edition, Mashhad, Quranic researches of the Hawzah and University.
44. Abdipour, Hasan, (1381), "Social Effects of Belief in Mahdism from a Sociological Perspective", Scientific Quarterly Special Expectation of Imam Mahdi (AS), Year 2, No. 5.
45. Alavi, Jafar, (1385), Anxiety: from the collection of articles on the Quran, psychology and educational sciences, first edition, Tabriz, Center of the Quranic Research Foundation of the Hawzah and University.
46. Fekri, Jafar, (1379), "The Young and Future Vision", Islamic Studies, Year 19, No. 47.
47. Falsafi, Mohammad Taqi, (1368), Al-hadith; educational narations, Tehran, Islamic Culture Publishing House.
48. Qeraeti, Mohsen, (1383), Tafsir Noor, 11th edition, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
49. Qurashi, Ali Akbar, (1371), Qamoos Qur'an, 6th edition, Tehran, Dar Al-Kutub al-Islamiyah.
50. Castells, Emmanuel, (1380), Information age: The power of identity, translated by Hossein Chavoshian, Tehran, Tarh Now.
51. Gudarzi, Gholamreza, (1382), "Designing a Conceptual Model of Crisis Management foresight with a Cultural Approach", Kamal Modiriyat, No. 5-4.
52. Gudarzi, Gholamreza, (1389), Mahdism Strategic Decision Making, First Edition, Tehran, Imam Sadiq University (AS).
53. Giddens, Anthony, (1378), modernity and individuality, society and personal identity in the new era, translated by Nasser Movaffaqian, Tehran, Ney publication.
54. Lotfabadi, Mohsen, (1392), theoretical review of the concept of "identity", Khabarnameh, No. 10.
55. Muhammad Taqi modarresi, (1377), Tafsir Hedayat, translated by: Ahmad Aram et al. First edition, Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
56. Majlisi, Muhammad Baqir, (1404 AH), Bihar al-Anwar, Beirut, Al-Wafa Institute.
57. Mohaddisi, Javad, (1389), "Tadabbur and Foresight", Islamic Studies Journal, Year 29, No. 81.
58. Morovvati, Sohrab, (1381), Human Evolution in the Mirror of Morality, Ilam, Goyesh Publications.
59. Motahari, Morteza, (n.d), collection of works of Shahid Motahari, [n.p].
60. Motahari, Morteza, (1358), Twenty Speeches, fifth edition, Qom, Sadra.
61. Motahari, Morteza, (1374), Ethical Philosophy, first edition, [n.p], Osweh Publications.
62. Motahari, Morteza, (1420 AH), Education in Islam, 34th edition, [n.p], Sadra Publications.
63. Makarem Shirazi, Naser, (1374 A), Payam Qur'an, 5th edition, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib (AS) School Publications.
64. Makarem, Naser, (1374 B), Tafsir Nomooneh, first edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
65. Al-Manoufi, Kamal, (1375), Islam and Development, Social Research Institute, Tehran, Binesh.
66. Nabawi, Mohammad Hassan, (1388), Islamic Management, 14th edition, Qom, Boستان

Kitab Institute (Islamic Tablighat Publishing Center of Qom Seminary).

67. Nouri, Mirza Hossein, (1408 AH), Mustadrak Al-Wasa'il, Qom, Aal al-Bayt Institute.

68. Adams, Gerald R., Gullotta, Thomas P. and Adams, carol Marksform (1994), Adolescent life Experiences. California: Brooks / Colepublishing Company.

69. Duane, A (2006), "Measuring Religious Identities in Surveys".Public Opinion Quarterly. Vol. 70, No.4, pp 32-50.

70. Eriksson, E, H. (1968). Identity: Youth and Crisis. New York; W.W. Norton.

